

---

نیکولو ماکیاواللی

---

# شہریار

---

ہمراہ با: «شہریار» و ایتالیا - اثر ہگل

---

ترجمہ از متن ایتالیایی  
دکتر احمد زرکش



نشر پٹواک

## دیباجه‌ی مترجم

عصر رنسانس، یا به فارسی دوران نوزایی، که در سده‌های ۱۵ و ۱۶ به اوج خود رسید، ریشه در سده‌های قبلی و به‌روایتی در دوران جنگ‌های صلیبی (از ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ میلادی) داشت.

در اروپای آن روز از سوی فقر، قحطی و جنگ‌های محلی رژیم فئودالیسم رعایای ستمدیده را تحت سرکوب و فشار داشت، و از سوی دیگر کلیسای کاتولیک و امپراتوری روم شرقی مستقر در کنستانتینوپولیس (قسطنطنیه = استانبول امروزی) که میراث‌خوار امپراتوری روم بودند از آناتولی و خاورمیانه تا اقصی نقاط غرب و شمال اروپا را در چنگال داشتند.

قشر ارباب یا شوالیه‌هایی که بر این مناطق حکم می‌راندند از یک‌سو از دخالت کلیسا و هم‌دستی ناخواسته و اجباری با آن در تنگنا و عذاب بودند و از سوی دیگر در اثر جنگ‌های منطقه‌ای و فقر رعایای خود، زندگی مرفه و اشرافی‌شان را در خطر می‌دیدند و هرروزه تعداد و زورشان تحلیل می‌رفت. در این حال، اسلامی عربی و چندی بعد اسلامی ترکی (عثمانی) مناطق شرقی این دو امپراتوری را در دست گرفتند. اراضی دایر و دهقانان آزاد و رعایای مرفه و از همه مهم‌تر امپراتوری‌ای با دین واحد و فتح گستره‌ای پهناور، از هندوستان و شرق دور تا جنوب خاورمیانه، ایران شهر، شمال آفریقا و حتی بخش مهمی از اروپا، به تدریج پدید آمده و پیام دین جدید نیز برابری و برادری میان مسلمانان و شعار «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» بود. حال به آن عمل می‌شد یا نه، و قشر مولا و مولی همانند گذشته جامعه را به دو طبقه‌ی بزرگ تقسیم کرده بود، حدیثی دیگر دارد.

چاره‌ی کار را مسلمانان عرب و عثمانیان در گسترش امپراتوری خود، و غربیان و فئودالیسم هم‌دست کلیسا در این دیدند که جنگ دو‌یست ساله‌ای را علیه حریف به راه اندازند. لشکر پابره‌نه‌ها و گرسنه‌های اروپایی به امید کسب غنایم یا حداقل مرگ و رفتن به بهشت یا حتی تغییر مذهب و اقامت در مناطق دایرو و ثروتمند راهی جنگ‌های صلیبی می‌شدند. فئودال‌ها و سرداران و شوالیه‌ها نیز اولاً به‌خاطر عقب راندن مسلمانان و ثانیاً به‌طمع تصاحب شهرهای ثروتمند مسلمان، که وصف‌شان را از سفرای اعزامی پاپ‌ها به شرق (نظیر مارکوپولو) شنیده بودند، و یغمای آنها به این لشکرکشی پیوستند.

جنگ، به‌ویژه جنگ‌های طولانی‌مدت، یکی از راه‌های مراوده و تجارت و انواع روابط خصمانه و دوستانه میان طرفین درگیری است. به‌ویژه اگر طرفین مخاصمه در همسایگی یکدیگر قرار داشته و از جهت فرهنگی دارای وجوه تشابه متعدد باشند و طی دهه‌ها به حالت جنگ و صلح و معامله و تجارت با یکدیگر و در روابط تنگاتنگ بوده باشند. جنگ‌های مسلمانان عرب و سپس مسلمانان عثمانی با امپراتوری روم شرقی و اروپای غربی (به‌تحریک کلیسای کاتولیک) که حدود ۴ الی ۵ قرن به درازا کشید، بسیاری از عادات، فرهنگ، بافت اجتماعی و رژیم اقتصادی و ساختار حکومت و حکومتگران را در هر دو سو دستخوش تغییرات بنیادی کرد. شیوه‌ی لشکرکشی و جنگ‌های دریایی و زمینی، مبادلات تجاری مستقیم با یکدیگر و از طریق کشورهای ثالث بی‌طرف که تنها به‌دنبال فروش متاع خود و سود سرشار تسلیحات و برده‌فروشی و ارتقای موقعیت سیاسی خود بودند، بدون کمترین پرده‌پوشی و شرم، مشتریان خود را از میان طرف‌های ثروتمند انتخاب می‌کردند و از طریق درگیری‌های محلی و سیاست‌بازی در گسترش قلمرو خود می‌کوشیدند. خلاصه اینکه رنسانس و عصر نوزایی تحولی عمیق و گسترده را به‌تدریج در کلیه‌ی شئون جامعه و حکومت پدید آورد. از افول فئودالیت

(رژیم ارباب رعیتی) تا قدرت مطلق و بی‌قید و بند کلیسا بر عوام، رعایا و حتی حکومتگران، بسط تجارت میان این میدان عظیم تاخت و تاز تدریجی دهقانان آزاد (بورگ‌نشینان = شهرنشینان) که در قسمتی از اراضی لم‌پزراع ارباب مقیم می‌شدند و پس از قدری ساخت‌وساز و ایجاد کارگاه‌های دست‌ساز (مانی فاکتور) از قبیل نساجی، کفش‌دوزی، کلاه‌دوزی، اسلحه‌سازی و دیگر حرف ساده به قصد فروش متاع خود به خریداران و حتی شروع صادرات به نواحی نزدیک و پرداخت مبلغ مختصری به نام عوارض و مالیات حمل به ارباب توانستند نه تنها بورگ‌ها را توسعه دهند و انواع فرآورده‌های موردنیاز را بسازند و بفروشند، بلکه به عرض و طول بورگ‌ها افزودند و به‌مرور صاحب ثروت‌های کلان شدند، به‌طوری که در بسیاری مواقع به شاه و شاهزاده و اربابان وام‌های کلان داده در عوض با طبقه‌ی اشراف وصلت می‌کردند و یا القاب و عناوین اشراف را می‌خریدند.

بدین‌گونه اصالت خاندان‌های نجبا و اشراف قدیم به‌مرور تحلیل می‌رفت و آنها نیز با هدف جمع‌آوری ثروت به طبقه‌ی بورژوازی و سرمایه‌دار می‌پیوستند. هم‌زمان با این تحولات در زمینه مذهب، سیاست و اقتصاد، ارزش‌های اجتماعی نیز دستخوش تغییر شد و شعار روز به آزادی و موفقیت تبدیل شد؛ و برای رسیدن به هدف مزبور از هر وسیله‌ای استفاده می‌شد و ارزش‌های مذهبی - اخلاقی به تدریج تبدیل به ابزارهای قدرت‌طلبی، ثروت‌اندوزی و موفقیت در زمینه‌های گوناگون به هر قیمت و هر ترتیبی شد.

توجه ما کیاوللی در شهریار به حکومت‌های سلطنتی است، همان‌طور که خود به‌صراحت در فصل اول کتاب می‌گوید؛ اما تمایل او به حکومت‌های جمهوری بود و قسمت عمده‌ی کتاب اصلی او گفتارها در مورد نحوه‌ی اداره‌ی جمهوری‌ها و برتری نظام جمهوری دموکراتیک بر سایر اشکال حکومتی است. کتاب گفتارها شرح و تفسیری ناتمام است بر